



Immanuel Wallerstein

امانوئل والرشتاین  
در آمدی بر نقشه راه  
ابتکار عمل آزادی برای اوجالان

امانوئل والرشتاین  
درآمدی بر نقشه راه  
ابتکار عمل آزادی برای اوجالان

نام کتابچه: درآمدی بر نقشه راه  
نویسنده: امانوئل والرشتاین  
موضوع: ابتکار عمل بین‌الملل برای آزادی عبدالله اوجالان  
طراحی و صفحه‌آرایی: مرکز انتشارات پژاک  
چاپخانه: شهید جگرخوین  
انتشارات: مرکز انتشارات پژاک  
چاپ اول ۱۴۰۲

# فهرست

۵

۷

۱۱

پیشگفتار

درآمدی بر نقشه راه

نتیجه‌گیری

پیشگفتار

ابتکار عمل بین‌الملل « آزادی برای عبدالله اوجالان - صلح برای کردستان »، یک کمپین فراملیتی صلح، برای آزادی رهبر آپو و راه حلی مسالمت آمیز برای مسأله کورد می‌باشد. این [کمپین] فوراً پس از ربوده شدن رهبر آپو و استرداد وی به جمهوری ترکیه در نتیجه همکاری سرویس‌های اطلاعاتی در ۱۵ فوریه ۱۹۹۹، تأسیس شد. بخشی از فعالیت‌های این کمپین به انتشار آثار رهبر آپو اختصاص یافته است. کتابچه‌ی «درآمدی بر نقشه راه»<sup>۱</sup> نوشته‌ی امانوئل والرشتاین یکی از کتابچه‌های مجموعه «برساخت حیات آزاد: دیالوگ‌هایی با اوجالان»<sup>۲</sup> می‌باشد که همگی این مجموعه در یک کتاب جمع شده‌اند، این کتاب حاوی مجموعه مقالاتی از نویسندگان، متفکران و انقلابیون جهانی است تا در مورد افکار رهبر آپو نظرات خود را بیان دارند تا فضای دیالوگی حول اندیشه‌ی رهبر آپو شکل بگیرد. این مقالات برای نخستین بار، واکنش‌های مکتوب به نوشته‌های زندان رهبر آپو را گردآوری نموده و شماری از آکادمیسین‌ها، نویسندگان، و انقلابیون را که به اندیشه‌های وی علاقه‌مند هستند یا از تفکرات وی الهام گرفته‌اند، دور هم جمع کرده است. ترجمه این مجموعه به زبان‌های مختلف، تلاشی است برای گسترش و ژرفا بخشی هر چه بیشتر به دیالوگ موجود. امید است که اثر حاضر، دیوارهای زندان را نیز درنوردد، چرا که حصر و انزوای شدید اعمال شده بر زندان جزیره امرالی، اندک مجالی برای دیالوگ با ایشان بر جای گذاشته است. با توجه به اینکه نوشتن به وسیله‌ای برای رهبر آپو بدل شده، تا به واسطه آن بر انزوا و حصر غلبه نموده و با طیف گسترده‌تری از مخاطبان ارتباط برقرار نماید، امیدواریم مجموعه‌ی مذکور بتواند راهگشای مخاطبان گردد تا از این طریق در تلاش‌های وقفه‌ناپذیر و فزاینده رهبر آپو جهت برساخت جهانی بهتر، سهیم گردند.

1 - Preface to The Road Map

2 - BUILDING FREE LIFE: Dialogues with Ocalan

درآمدی بر نقشه راه

[کتاب] نقشه راه، راه حلی برای مسئله گُرد در ترکیه پیشنهاد می‌دهد، اما مسائلی را مطرح می‌کند که بسیار کلی‌تر و گسترده‌تر از مقولات ژئوتاریخی مشخص هستند. به نظر من، چهار تضاد مجزا، گرچه عمیقاً در هم تنیده شده، در عملکرد نظام جهانی مدرن که یک اقتصاد جهانی سرمایه داری است، به چشم می‌خورند؛ تضادهایی که به شرح زیر هستند:

۱ - جست و جو برای حق حاکمیت دولت‌ها<sup>۱</sup>؛

۲ - تکاپوی دولت‌ها برای بدل شدن به ملت<sup>۲</sup>؛

۳ - درخواست برای دمکراتیک شدن دولت‌ها<sup>۳</sup>؛

۴ - راه‌هایی که سرمایه‌داری با توسل به آنها، تعادل خود را حفظ می‌کند.

هر یک از این تناقضات، مستلزم ارائه یک کتاب کامل هستند تا به اندازه کافی مورد بررسی قرار گیرند. در اینجا فقط می‌توانم به صورت اجمالی مسائل را مطرح نمایم.

۱- حاکمیت: ساختار رسمی سیستم بین دولتی که به عنوان بخشی از سیستم جهانی مدرن ایجاد گشته این است که همه دولت‌ها دارای حاکمیت هستند، حاکمیت در تئوری به این معنی است که دولت‌ها بایستی تصمیمات خود را مستقل و بدون دخالت سایر دولت‌ها یا ساختارهای نهادی، در داخل مرزهای خویش اتخاذ کنند. البته به محض اظهار این خصوصیات نظری، آشکار می‌گردد که هیچ دولتی وجود ندارد که این معیارهای حاکمیت را داشته باشد. مبرهن است که ادعای حاکمیت یک دولت، چیزی فراتر از یک ادعا نیست؛ آرزویی که برخی از دولت‌ها بهتر از دیگران به آن جامه عمل می‌پوشانند اما هیچگاه به طور کامل برآورده نمی‌شوند.

علاوه بر این، بایستی به خاطر داشته باشیم که این یک ادعا در دو جهت است - حاکمیت بیرونی<sup>۴</sup>، فراتر از مرزهای یک دولت، و حاکمیت درونی نسبت به گروه‌های درون کشور. هر چه یک دولت کمتر قادر به دفاع از خود در بیرون باشد، تأکید بیشتری بر دفاع از خود در برابر فرسایش درونی ادعای حاکمیت خود دارد. جمهوری ترکیه در زمره دستة اخیر قرار می‌گیرد، البته نه تنها ترکیه جمهوری خواه، بلکه این وضعیّت اکثریت

۱ - the search for sovereignty by the states

۲ - the thrust of all states to become nations

۳ - the demands that states be democratic

۴ - این بعد از حاکمیت در زبان روزمره معادل « استقلال » می‌باشد



عظیم دولت‌ها در نظام جهانی مدرن است.

۲- دولت - ملت<sup>۱</sup> : مکانیسم اساسی‌ای که توسط آن دولت‌ها به دنبال دفاع از حاکمیت خود در برابر گروه‌ها یا نهادهای درون مرزهایشان هستند؛ چیزی که ما آن را ژاکوبنیسم می‌خوانیم. می‌توان ژاکوبنیسم را خیلی ساده تعریف کرد. [ژاکوبنیسم] عبارت است از دو چیز : نخست، این الزام که همه «شهروندان» یک دولت، عضویت خود را در یک «ملت» واحد به رسمیت شناسند - به هر حال، این ملت، [ملتی] تعریف شده است. دوم، این ضرورت که التزام به این «ملت»، [بایستی] بر دیگر تعلقات شهروندان اولویت داشته باشد - یعنی تعلق به طبقه، جنسیت، گروه مذهبی، «قومیت»، گروه‌های خویشاوندی، و به طور خلاصه به هر گروهی غیر از «ملتی» که توسط دولت تعریف گشته است.

در حالی که به نظر می‌رسد فشار برای ایجاد این وفاداری ملی (که می‌تواند برچسب میهن‌پرستی را دریافت کند) دولت را در ادعای بیرونی حاکمیت تقویت می‌کند، بدیهی است که تنش‌های داخلی قابل توجهی را بر می‌انگیزد. گروه‌های گوناگون در برابر گردن نهادن به وفاداری ملی مقاومت می‌کنند و گاهی، حتی شاید بتوان گفت غالباً، مقاومت خشونت‌آمیز می‌شود.

در دهه‌های اخیر، ژاکوبنیسم درخشش خود را از دست داده است و در بسیاری از کشورها خواسته‌هایی وجود دارد مبنی بر اینکه دولت، خود را «چند ملیتی<sup>۲</sup>» تعریف کند - چیزی که می‌تواند اشکال نهادی متفاوتی داشته باشد. مسأله در اینجا تعریف اشکال نهادی و «محدودیت‌های» کثرت‌گرایی است. صرف ادعای چند ملیتی بودن یک دولت، مشکل را حل نمی‌کند.

۳- دمکراسی : یکی از میراث بزرگ انقلاب فرانسه، مشروعیت بخشیدن به این مفهوم در سراسر جهان بود که «حاکمیت» نه به حاکم و نه به قانونگذار، بلکه به «مردم» تعلق دارد. مشکل این است که این مفهوم، در حالی که در مقام لفظ مشروع است، اما افراد صاحب قدرت، اعتبار و

۱ - Nation-state

۲ - Plurinational

امتیاز را به هراس می‌اندازد. آنها به هر طریق ممکن به دنبال تضعیف ادعای مذکور هستند.

تا اواخر قرن بیستم، به ندرت می‌توان دولتی را یافت که ادعای «دمکراتیک» بودن نداشته باشد. معمولاً چنین ادعایی مبتنی بر وجود انتخابات سراسری و نظام چند حزبی<sup>۱</sup> بود. دشوار نیست که نشان دهیم برگزاری چنین انتخاباتی هر چند سال یکبار و اعطای قدرت نمایندگی، حتی به طور متناوب، به احزابی که فقط تفاوت‌های محدودی در برنامه‌های واقعی دارند، به تدریج ایده حاکمیت مردم را از بین می‌برد. من شخصاً معتقد نیستم که امروز دولتی وجود داشته باشد که با تعریف من از دمکراسی مطابقت داشته باشد، اگرچه برخی از آنها بهتر از سایرین هستند. مبارزه برای دمکراتیزاسیون در نیم قرن اخیر بسیار فعال‌تر و برجسته‌تر شده است و گروه‌های بیشتری بر مشارکت واقعی در تصمیم‌گیری اصرار می‌ورزند. این امر بسیار مثبت است، اما کاری است که تازه شروع گشته حتی به نیمهٔ راه نیز نرسیده است.

۴- سرمایه‌داری: نظام جهانی مدرن ما نظامی سرمایه‌داری است که بر انگیزه انباشت بی‌پایان سرمایه بنا شده است. بر اساس این معیار، سیستم کاملاً موفق در پانصد سال گذشته بوده است، [در طی دوره مورد بحث] رشد مداوم سرمایه و تداوم تمرکز انباشته‌ها وجود داشته است.

مانند سایر سیستم‌ها، فرآیندهای آن با نظم در تغییر و نوسان است؛ [یعنی] ریتم چرخه‌ای یک سیستم. این سیستم دوام می‌آورد زیرا مکانیسم‌های داخلی وجود دارد که این نوسانات را به نوعی تعادل پویا وا می‌دارد. آهسته و پیوسته فرآیندها به سمت آستانه [فروپاشی] پیش می‌روند. روندهای مادی به نقطه‌ای می‌رسند که نوسانات از تعادل بسیار دورگشته و سیستم دیگر نمی‌تواند محیط نسبتاً با ثباتی را که به طور معمول در سایهٔ آن کار می‌کرد، حفظ کند.

وقتی چنین اتفاقی می‌افتد، سیستم دچار بحران فروپاشی شده، با انشقاق رویارو گشته و آشوبناک<sup>۲</sup> می‌شود. نبرد، دیگر بر سر بقای سیستم نیست، بلکه بر سر این است که کدام یک از شاخه‌ها پیروز گردد و شالودهٔ سیستم آلترناتیو باشد. ما در حال حاضر در آن دوره گذار سیستمی قرار داریم. ما تا رسیدن به «تصمیم جمعی»، بیست تا چهل سال دیگر مبارزه

۱ - Multiparty system

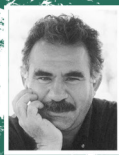
۲ - Chaotic

در پیش داریم. پیش‌بینی نتیجه ذاتاً غیرممکن است، اما بسیار ممکن است کنش‌های فردی و گروهی ما بر آن تأثیر بگذارد. یکی از نتایج احتمالی، سیستم جدیدی است که بدترین ویژگی‌های نظام سرمایه‌داری - نظامی سلسله‌مراتبی<sup>۱</sup>، استثمارگر و قطبی - را با یک سیستم غیرسرمایه‌داری، که شاید حتی بدتر [از سرمایه‌داری] باشد، جایگزین می‌نماید. نتیجه احتمالی دیگر سیستمی است که نسبتاً دمکراتیک و نسبتاً مساوات‌طلب است، نوعی سیستم که جهان هرگز نشناخته است، اما کاملاً امکان‌پذیر است.

### نتیجه‌گیری

ما بدون قرار دادن تحلیل‌های مان در چهارچوب این چهار مقوله، قادر به ارزیابی سودمندی کنش سیاسی در جامعه‌گرد ترکیه نخواهیم بود: تلاش مستمر دولت ترکیه برای تقویت حاکمیت خود، تقلای وافر در ترکیه برای به‌کارگیری و تأکید مجدد برگزیده ژاکوبینی، تلاش بسیاری برای دستیابی به دمکراتیزاسیون بیشتر، و روش‌هایی که [از طریق آن‌ها] همه این نوع کنش‌های سیاسی، بر مبارزه جهانی در مورد اینکه چه نوع سیستمی جایگزین نظام جهانی سرمایه‌داری ای‌گردد که اکنون محکوم به فنا است، اثر می‌گذارد.

این مقاله در ابتدا به عنوان پیشگفتاری بر «نوشته‌های زندان عبدالله اوچالان، جلد ۳: نقشه راه مذاکرات: کلن، ابتکار بین‌المللی، ۲۰۱۲»، انتشار یافت.



پروفیسور امانوئل والرشتاین بیشتر به دلیل توسعه تحلیل سیستم‌های جهانی، رویکردی کلان تاریخی برای درک سرمایهداری، شناخته شده است. او از سال ۱۹۷۶ تا زمان بازنشستگی در سال ۱۹۹۹ به عنوان استاد برجسته جامعه شناسی در دانشگاه بینگهامتون (دانشگاه ایالتی نیویورک)، و تا سال ۲۰۰۵ به عنوان رئیس مرکز مطالعات اقتصاد سیستم‌های تاریخی و تمدن‌های فرناند برودل خدمت کرد. در طول دهه ۱۹۹۰، او ریاست کمیسیون گلبنکیان در مورد تجدید ساختار علوم اجتماعی را بر عهده داشت. هدف کمیسیون ترسیم جهتی برای تحقیقات علوم اجتماعی در پنجاه سال آینده بود. در سال ۲۰۰۰، او به عنوان پژوهشگر ارشد به بخش جامعه شناسی ییل پیوست. پروفیسور والرشتاین در ۳۱ اوت ۲۰۱۹ در سن هشتاد و هشت سالگی درگذشت.

## امانوئل والرشتاین

### درآمدی بر نقشه راه

ابتکار عمل آزادی برای اوجالان

Immanuel Wallerstein  
Preface to The Road Map  
International initiative